

میگشت تا بخزانه مرکزی یا ولایتی و ایالتی برسد ، در صورتیکه در چنین حالت اغشاشی پیشرفت کار (حمل و نقل و فروختن آن اجناس) محال بود ، مگر در همان امکنه که صدها میل باطهران فاصله داشت ، و اگر هم چند [تن] گندم یا گاه و غیر آن بالاخره بمرکز ولایتی میرسید حمل و نقل عینش مثل پول بتوسط تلگراف بطهران ممکن نبود (۱) . و اگر هم بطور مزایده (حراج) فروخته میشد یکجزء از قیمت اصلیش عاید نمیکشت . بدون شبهه یکی از تقلبات حکام یا مأمورین مالیه در ازمنه سالفه وصول و مبادله این قبیل اجناس بلوکات بوده . نطائر این امر را بمن نشان داده بودند که مأمورین مالیه از فروش متقلبانه مالیات جنسی در یکروز یا یک معامله ، بیشتر از چند هزار [دالر] منتفع شده بودند .

وقتیکه در اواخر پائیز ۱۹۱۱ (تقریباً برج عقرب و قوس ۱۸۳۳ شمسی ۱۳۲۹ قمری) شروع بجمع آوری غلات و تحویل گرفتن سایر اجناس مالیاتی نمودم که در زمستان نرخ نان را تا درجه منظم نگاهدارم ، ملتفت شدم که دست زدن به آنکار چقدر مشکل میباشد . فقط بتدابیر عملی فوق العاده توانستم پنج شش هزار [تن] (معادل با پانزده هزار و نهصد و سی هفت خروار و پنجاه من یا نوزده هزار و یکصد و بیست و پنج خروار) گندم و جو جمع کنم .

تمام عایدات داخلی ، مثل مالیات اراضی و عوارض بلدیّه محلی و عایدات اراضی خالصه دولتی و صنایع و معادن و حرف و عیره ، جزء مالیات محسوب میشد ، این قسم مالیه شیبه مالیات [نواتاکی] (سر شماری) بود . علاوه بر این ، عوارضی از عمل آوردن و فروختن قریاک و پوست بره و روده گوسفند میگرفتند ، و خراج بسیاری از

(۱) [تن] مادل با سیصد و هجده من و سه چارک بوزن تبریز است — مترجم .

مشروبات و مسکرات عاید دولت ایران میکردید . اگر چه بدون شبهه استعمال مسکرات در مذهب اسلام حرام و ممنوع بوده و تعیین آن از طرف دولت مستقیماً و یا بامضاء رسمی آن نبود ، ولی واقع و حقیقت امر اینست که اداره مرکزی این قبیل عوارض را نظر بدو حکمت تعیین و وصول مینمود ، یکی محدود نمودن استعمال آن و دیگر ایصال عایدات غیر مستقیمه بدولت .

علاوه بر مالیاتهای مذکوره فوق ، يك انتفاع دیگر دولت ایران از مجرای عایدات گمرکی بود ، و مقدار قلیل از اداره پست و تلگراف و مبلغ مختصری هم از اداره تذکره وزارت خارجه عاید خزانه دولت میکردید .

ادارات گمرکی ایران در تحت ریاست تقریباً بیست و هفت نفر صاحب منصبان بلجیکی است که رئیس کل آنها مسیومورنارد بود و در طهران اقامت داشت ، بانضمام معاونین متعدد دیگرش . این اداره قسمتی از عایدات تذکره را بنوسط اجزاء خود در سرحدات نیز وصول مینمود . عایدات گمرکی در سنه ایت ایل ترکی که تقریباً مطابق سنه ۱۹۱۰ بود قریب سه میلیون و چهار صد هزار تومان بود (قیمت تومان اگر چه بواسطه نرخهای مختلفه بازار تغییر پذیر ولی غالباً مساوی بانود سائیت یعنی نه عشر [دالر] امریکا بود) و در دو سال قبل یعنی سنه ۱۹۰۹ و ۱۹۰۸ (تقریباً دو سال ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷) سه میلیون و یکصد و هشتاد و پنج هزار و سال دیگرش دو میلیون و هفتصد و سی و سه هزار تومان بود . بهرحال تمام محل عایدات مزبوره بموجب قرارداد استقراض از دولتین پیش آنها بسمت و وثیقه گرو بود ، تا بعد از اختتام و تأدیة اقساط استهلاك آقرضه (يك مليون و دو بیست و پنجاه هزار لیرة بانك شاهنشاهی)

کمترین وجهی که لازم بود سالانه بمصرف تأدیة سود و قسط استهلاك طلب دولتین برسد ، معادل دو میلیون و هشتصد و سی و دوهزار تومان بود . چون اقساط استهلاك قرض بانك شاهنشاهی تا پنج سال شروع نشد در عرض این مدت سالی سی و یک هزار تومان از سود و اقساط استهلاك قرض دولتین کمتر پرداخته شد . اگر بزرگترین عایدات گمرکات را که در این سنوات اخیر و وصول میشده ، بنیاد و مأخذ عایدات سنوات بعد قرار دهیم ، دولت ایران از این مرمهم و مجرای معظم ، باید سالانه متوقع بیشتر از پانصد و شصت و هشت هزار تومان عایدی نباشد ، و بر حسب شروط استقراضیکه در سنه ۱۹۱۰ از دولت روس نموده بودند ، این مبلغ فاضل تا مدت ششماه باید در بانك [دیسکونت] استقراضی که شعبه بانك دولتی روس در طهرانست بماند . بانك مزبور فقط سالی دو مرتبه برای تأدیة مطالبات دولت ایران حاضر بود . علاوه بر این باید تأدیة سود و قسط استهلاك قرض روس هم بمنات بشود ، و اختیار تعیین نرخ منات هم برای تنزیل هر ماه با بانك بود که هر ماه نرخ تبدیل تومانیهای ایران را که از محل گمرکات وصول نموده بمنات تعیین نماید (۱) . اگر بگوئیم بانك روس بموجب استحقاقیکه بموجب قرار داد آن استقراض برای خود معین نموده ، سعی و کوشش میکرد که از آن تبدیل و محاسبه تنزیل ضرر و نقصان نبرده باشد شاید غلط ننگته باشیم .

یکی از مصارف و مخارج معینه دیگر که باید از محل فوق یعنی از عایدات گمرکی در ایران پرداخته شود ، مخارج برقرار داشتن بریگاد

(۱) [منات] روسی یا [درون] باختلاف نرخ اوقات مختلفه بین پنجرال و نیم تا تقریباً شش

فران ایران و معادل با یکرویه و نه الی دوازده آه گورنیک می باشد - مترجم *

و موجب قزاقها بود . زمانیکه در طهران بودم ، کلیه مخارج قزاق خانه معادل باسی هزار تومان ماهانه میشد ، علاوه بر مبلغ غیر معینی که کرنل آن بریگاد یا سفارت روس ، باسم مخارج فوق العاده یا برای تجهیز قشون و لشکر کشی ، از دولت ایران مطالبه مینمودند . مطالبات فوق العاده مزبوره ، در ظرف یکسال ، بیشتر از هفتاد هزار تومان شده بود . آن هیئت نظامی مشهور از سنه ۱۸۸۲ (تقریباً از سنه ۱۲۹۹ هجری) در عهد سلطنت ناصرالدین شاه در تحت مشاقتی کرنل چارکوسکی روسی تشکیل شده بود . کرنل مزبور را اداره نظامی قفقاز باین خدمت مأمور و معین کرده و چند نفر صاحب منصب [کمیشن] و [ثان کمیشن] روسی هم معاونت کرنل موصوف معین شده بودند . غرض ناصرالدین شاه یا مستشاران و مصلحت بینان روسیش ، از تشکیل اینطرز قشون خارجه ، بدون شبهه این بود که او را از حرکات و اقدامات متفرانه و محققانه رعایای بسیار مظلومش که حتماً واقع شدنی بود حفظ نماید . بریگادیکه باین نیت و قصد میشوم تشکیل شده بود ، چند مرتبه ایباقت خود را بهمین معیار معرض ظهور رسانید . و همیشه بزرگترین [آنتریک] کننده و مجری مظالم روسها در ایران بوده ، چنانچه اکنون هم میباشد . معروف بود که [بریگاد] مزبور مشتمل بر هزار و ششصد باهفتصد نفر میباشد و مبلغی هم که برای بقاء این [بریگاد] بمصرف میرسید ، بهترین دلیلی بر کثرت عدویشان بود ، ولی تا زمانیکه من در ایران بودم ، با مبلغ گزافیکه از خزانه مفلس دولت ایران مطالبه و وصول مینمودند و مبالغ بسیاریکه بی درپی بکرنل و صاحب منصبان دیگر داده میشد ، حقیقتاً عدد کاملش کمتر از چند صد نفر بود ، هیچ حساب یا صورت خرجی در کار نبود . در زمان لشکر کشی و تجهیز قشون برای جلوگیری از محمدعلی و اتباعش ، صمصام السلطنه رئیس الوزراء از من خواهش نمود که

بعضی از پولها اینکه کرنل بریگاد مزبور بعنوان مصارف فوق العاده مطالبه مینماید
پیردازم . من هم قبول کرده و پرداختم ، و کاغذی هم بکرنل نوشته
و از او خواش نمودم که صورت حسابی برای مدت مزبوره بفرستد تا مطمئن
شوم که پوایکه دادهام برای مصرفی نباشد که دولت سابقاً آن وجه را
پرداخته باشد ، ولی کرنل از دادن همچو توضیحیکه مبلغ مزبور چه
گونه و بجه محل و بجه عنوان صرف شده ، امتناع نموده و پروتسهای
پی در پی در باب اداء نشدن مطالبه اش بسفارت روس فرستاد ، و مراعاتهم
نمود که از تأدیة پول انکار نموده ام .

یکی از موانع بزرگی که در وصول مالیات دوچار شده بودیم نبودن
هیچگونه قانون جنایات که عبارت از خدعه و تقلب و خیانت و
مانند این جرائم میباشد بود . مأمورین مالیه بسایر صاحبمنصبان دولتی
که تقد و جنس یا سایر منعلقات دولت در تصرف آنان بود ، بکمال سهوات
و آسانی وبدون تصور اینکه شاید وقتی از ایشان تحقیق یامأخذه شود ، مالیه
و منعلقات دولتی را برای خود جایجا و تصرف می نمودند . فقدان وسائل
بخازات هرگونه جنایتی ، بیشبه باعث وسعت آنگونه تقلبات و خیانتهای
عمومی شده و کم کم بادارات دولتی هم سرایت کرده بود . نظیرحالت
حاضرۃ ایران حالت ممالک منمدنه خواهد بود ، اگر قوانین جنایات یا بخازات
خیانت در امور دولتی از آن ممالک برداشته شود . ادارات عدلیه بالنسبه
بسایر ادارات در هر نقطه ایران که بود ، عوض اینکه در مقابل کسانیکیه
مایل بارتکاب جرائم بودند ، ماضی باشد ، بیشتر درکمال بینظمی بود
در صورتیکه دوائر مزبوره عدلیه جزء عمده نظم عمومی بود ، برای جلوگیری
از تقلبات صاحب منصبان و مأمورین دولتی که از نتیجه دسترنج ملیون ها
رعایا و ایلات بی عام بهره مند و بسیار فریه (متمول) شده بودند

آن ادارات ادارات مختصری بود برای سیاست و تنبیه مأمورین غیرمتدین و خائن مانند تدابیر پلیس . در صورتیکه حالت سیاسی محلی مقتضی میشد ، یا رأی عمومی تصویب مینمود ، دولت امر بحبس مأمورین خائن نموده و استنطاق ظاهری (سرسری) نیز از آنها میکرد . محبس عدلیه عموماً در مرکز اداره پلیس بود . این فقط حالت طهران است که بیان میکنم ، ولی در سایر ولایات حکومتهای محلی عدالت را بقوه جبریه بکار می بردند . نتیجه صحیح همچو حبس و استنطاق کسیکه مرتکب جرم و یا نسبت جنایتی باو داده شده بود این میشد که شخص جانی و مجرم یا کسان و دوستان او مجبور میشدند که مبلغ معندیه‌ی که کفایت خواهش و چشمداشت حکومت را بکند فراهم نمایند ، زیرا که حکومت مزبور گویاهم ناظر و مفتش عدلیه وهم حکم و مجری احکام آن بود . این وضع حالت مملکت و ضرورت بکار بردن اثرات معنوی (قوه جبریه) نسبت بمستخدمین دوائر دولتی و مالیات بده های متسرد سرکش که میتوانستند از عهده تأدیة مالیات املاک خود برآمده و تعال و تسامح میورزیدند ، مرا مجبور نمود که محبس مخصوصی در طهران ترتیب دهم ، که پس از تحقیق و استنطاق در حضور مأمورین محترم خزانه و ثبوت تردد و مخالفتشان با قوانین مالیه موقتاً در آن محبس توقیف شوند . پس از شروع باصلاح امور خزانه بوزراء مختلفه اطلاع دادم که هیچ وجهی از خزانه پرداخته نخواهد شد مگر بعد از اظهار کتبی که بر اوراق چاپی مخصوص خزانه (که خودم ترتیب داده بودم) نوشته شود . اوراق مزبوره بفرانسه و فارسی باهم و عنوان خزانه دار کل طبع شده و لازم بود که توضیح مفصلی از بابت و تاریخ و مبلغ مطلوبه و غیره با امضای دریافت کنندگان در آن اوراق درج شود . غالب صاحب متصدان

کابینه ، طریقه مزبوره را بطیب خاطر استقبال نمودند ، زیرا که علی الظاهر همچو تصور نموده بودند که بمجرد اینکه خانهای آن اوراق را بر کرده (خانه بندی نموده) و توضیح هر فقره را در مستون مخصوصش نوشتند دیگر کارشان با تمام و مقصودشان بانجام رسیده است ، و برای خزانه دار عدلی غیر تأدیة وجه مطلوبه باقی نخواهد ماند . همین ملاحظه از طرف تمام ادارات و دوائر دولتی برای گرفتن نمونهای چاپی با اداره خزانه حمله نموده و در ظرف چند هفته دفتر مرا بمبارد (غارت) کردند ، بجهت مطالبه مبالغه مبنی بود بر دعاوی و دلایل بسیار عجیب . لازم نیست بیان تمام که در ظرف مدت قلیلی بر مطالبه کنندگان معلوم و مکشوف شد که بصرف اینکه وزیری مطالبه خود را بنوسط اوراق ساده خزانه (که هیچ منخلیتی در ثبوت دعاویشان نداشت) اظهار نماید ، سبب یقین خزانه دار نخواهد شد که تمام مطالباتش صحیح و واجب التأدیة می باشد . بعضی از آن مطالبات بحدی تعجب انگیز و مضحک بود که ذکرش بی مناسبت نمی باشد . مثلاً دوقفر سیاح فرانسوی که در اثنای سیاحتشان بطهران رسیده و باوالاحضرت نایب السلطنه هم ملاقات نموده بودند روز دوم ورودشان ورقه مطالبه از وزیر خارجه رسید که بسیار مورد تعجب گردید ، خواهش نموده بود که حسب الامر والاحضرت مبلغ صدتومان به آندوقفر سیاح محترم بعنوان عنایت شاهانه و مراحم خسروانه داده شود . چون در آن موقع مناصب نمایانستم که بادولت جمهوری فرانسه بحث و مذاکره مسئله بین المللی پیش بیاید ، وجه مزبور را پرداختم ، ولی وزیر مذکور را متنبه نموده که بر حسب قوانین جدید خزانه ، عنوان موجه قانونی برای تأدیة وجوه دولتی لازم است . در موقع دیگر مستوفی منین و موقر وزیر داخله بدیدن من آمده و بعد از اداء تعارفات بسیار ، صورت مطالبه

اراء نمود که بامضاء جناب وزیر مذکور بود ، ترجمه اش بر حسب ذیل است :- « مطالبه صد تومان باید به سید فتح الله داده شود چرا که از الاغ (دراز گوش) خود افتاده و پایش شکسته است ، شخص بدبخت خزانه دار مزبور که به آن صدمه افسوسناک دوچار شده بود پس از دانستن اینکه اجنبی نمیتواند مطالبه اش را تسلیم نموده و به پردازد ، بسیار متعجب و دلگیر شد

در موقع دیگر وزیر دربار با دو فقره مطالبه پیش من آمد ، یک فقره مطالبه بعنوان « قیمة روغن جهة شترهای شاهی ، و دیگر برای فراهم نمودن « گاه بجهة [اتوموبیل] اعلیحضرت ، آن خواهش باندازه ثقیل و بدرجه بی معنی بود که مرتبه و شئون رسمی من تاب تحمل آن را نداشت . این رسم فقط در ایران معمول است که روغن برای شتر و گاو برای [اتوموبیل] باید فراهم شود . این دو فقره مطالبه جدی و حقیقی بود ، زیرا که یک قسم روغن مخصوصیت که بدن شتر می ماند که جلد او نرم (یا از مرض خارش و ریختن پشم محفوظ) بماند ، و اجزاء و مستخدمین [گراژ] کالسکه خانه شاهی هم مقداری که بعنوان علیق داده می شد . من آن هر دو فقره را تسلیم نموده و پرداختم .

در اواخر سبتمبر که معلوم شد محمد علی میرزا نمیتواند خود را بطهران برساند ، نقشه (مسوده) که برای اصلاحات امور مالیه بسیار لازم و مهم بود بکابینه تقدیم نمودم .

در آنوقت که تمام هم و کلاه مصروف باصلاحات مالیه و سرگرم به آنکار بودند اگر به تحصیل تصویب مجلس نائل نمیشدیم بی شبهه احتمال دوچار شدن بخطر عدم تصویب آن نقشه میرفت . در آن موقع

باختیار یکی ازدوشق مجبور بودیم ، یا صبر کردن تا شش ماه و یک سال برای تحقیق حالت اصلی و تفصیلی مالیه ایران تا قوانین مفصله که حاوی طریقه تحصیل عوارض و ایجاد مالیات جدید و جمع و خرج پولهای عمومی ملتی باشد بنویسیم . و یا اینکه قانون عام کلی ساده نوشته و پس از تصویب مجلس فوراً بموقع اجرا بگذاریم . قوانینی که اختیارات تامه در تحویل گرفتن مالیات ایران بخرانه دار بدهد ، اختیارات شق ثانی طبعاً مشکل تر بود ، زیرا که در قبول همچو مسئولیتی و دو پائی جستن در وسط ادارات عدیده غیر منظم بی دیانت ، خوف این بود که یکمرتبه غرق بشویم . ولی چون از اول یکی دو فقره تجربه راجع باین گونه امور ذخیره داشتم اختیار شق اخیر را مطابق حزم و مال اندیشی دانستم .

بعبارت آخری رملهای حیات مالیه ایران بسرعتی خارج میشد که اگر تدابیر عملی فوری برای جلوگیری آن کرده نمیشد یا اس و ورشکستگی و پریشانی و غارت گری سریعی هم در طهران و هم در سایر ولایات واقع میگردد (۱) .
لهذا لازم و مناسب بود که در اولین وهله نظارت متدینانه مرکزیه نقود را تحصیل کرده و آن نظارت را رکن و بنیاد اصلاحات آتیه

(۱) دو ازمنه ساله که هنوز اختراع این ساعت حالیه نشده بود مقیاس الوقت با آلت وقت شناسی ترتیب داده بودند که وقت بتوسط آن معلوم میشد و آن عبارت بود از دو گوی میان تهی متصل بهم که در نقطه اتصالشان سوراخ بسیار کوچکی قرار داده و در یکی از آن دو مقدار معینی (شن) بسیار نرمی (رمل) ریخته که هر وقت گوی شماره را بست بالا قرار دادندی در امتداد زمان معینی آن شن ها در گوی دیگر میریخت چنانچه هرزهم در بعضی از صنایع زمان حال دیده میشود ، مقصود مصنف از رمل همان شن های [سندواچ] (SandWatch) مالیه و کاپه از گذشتن وقت است — مترجم •

قرار دهم ، و سپس شروع باصلاح ادارات و دفاتر دیگر نموده ، و برای منع از تقلب و غفلت سعی نمایم ، و میزان دخل و خرج مئدینانه مقرون بصرفه و عقلی بجهت مالیات موجوده معین کنم ، و بهمین رویه موقتاً کار بکنیم تا قانون و طریقه جدیدی برای تصفیه و تنقیح کلیه محاسبات مالیه وضع شود .

پس از آنیکه قانون سیزدهم ژون بتصویب مجلس رسید سعی و کوشش بسیاری نمودم که « احترام » آن را بین اهالی داخله و اجانب عوض احترام معتد بهی که از پول و اقدار و قوود و مراتب جرئت درکار بود معمول دارم . هیچ وقع و اهمیتی نسبت به قانون که حقیقهً مجسمه حقوق عمومی بود وجود نداشت . در ایران قوانین خصوصاً قوانین مالیه هیچ قابل اعتنا نبود . بعد از مدتی مطلع شدم که چند ماه قبل از آنیکه اصلاح امور خزانه بامحول شود ، مجلس قانون [کنتابلیته] (**Contabilite**) مقتضی و مناسب وقتی اجراء داشته که مأخذ اصلیش از چند فقره قانون مالیه فرانسه گرفته شده بود . اگرچه قانون مزبور اسماً از چند ماه قبل جاری بود ، ولی یک نفر صاحب منصب را نتوانستم پیدا کنم که معنی آن قانون را دانسته ، یا اقلأً مختصر کوششی در اجراء آن کرده باشد . در صورتیکه بوجود آن قانون فخریه و مباحثات کرده و با کمال منانت و آرامی خاطر بغارت گری خود مشغول بودند .

برای تعلیم و تلقین احترام قانون همین که در تابستان گذشته پریشانی و انقلابات خانه جنگی (جنگ های داخلی) شروع به تسکین گذارد مشغول مالیات املاک اعیان دولت و بزرگان بسیار خائن معروف مثل علاء الدوله و شاهزاده فرماقرما و سپهدار گردیدم

قارثین از معامله علاءالدوله مسبوق می باشند ، شاهزاده فرمانفرما هم چون آخر کار دید درباره وصول مالیات املاکش مجد و مصر می باشم نزد هیئت وزراء رفته و خدمات دلیرانه خود را که هم از حیث جنرالی (سرداری) قشون و هم از حیث وزارت جنگ نسبت بدولت مشروطه مبنیول داشته تذکار نمود ، و پس از اختتام اظهارات خود بگریستن برشانه رئیس الوزراء شروع کرد . هیئت وزراء بطوری متالم و متأثر شدند که فوراً مراسله متواضعانه بمن نوشته و ایما نمودند که شاهزاده فرمانفرما از تأدیة مالیات خود معذور خواهد بود ، تا از طرف هیئت وزراء تحقیق کاملی در این معامله بعمل آید ، خود فرمانفرما مراسله منبوره را آورد . جواب گفتم یکی از دو شق را باید قبول کنید ، یا خدمات دلیرانه خودتان را بدولت مشروطه بتأدیة بقایای مالیاتی املاک خودتان درروز بعد ثابت و مجرا بدارید ، و یا اینکه مرا بضبط غله انبارهای خود مجبور نموده که شمارا از زحمت حفظ آن آسوده بام ، بهیئت وزراء جواب نوشتم که اگر التفات فرموده توجه وهم خودتان را بنصفیه و اصلاح امور سایر ادارات مصروف دارید ، من خود سعی در جمع آوری و وصول مالیات خواهم نمود . شاهزاده قسمت عمده مالیات بدهی خود را در روز بعد پرداخت ، اگرچه بضبط مقداری گندم در یکی از املاکش مجبور شدم . مشار الیه از زمان حکومت و سرداری قشون و عضویت کابینه اش ، چندین میلیون [دالر] فخره و انبوهخانه نموده بود .

مطلع شدم که سپهدار يك فقره هفتاد و دو هزار تومان از بابت مالیات سال گذشته اش بخزانه دادنی میباشد ، و در مقابل آن ادعای يك میلیون تومان اظهار مینمود ، که برای خدمات وطن پرستانه

و مصارف تجهیز « مجاهدین رشت » که يك قسمت از افواج ملی بوده که در سنه ۱۹۰۹ (بیست و هفتم جمادی الآخر ۱۳۲۷) طهران را از محمد علی انزاع نمودند ، به صرف رسانیده . گفته بود که باید دولت از خدمات او ممنون بوده ، مشار الیه و اولاد و احفادش را تا سه نسل (پشت) بعد ، از تأدیة هر قسم مالیاتی معاف بدارد ، که شاید بتواند املاک وسیع خود را که در شمال ایران واقع است و همچنین خانواده و متسین و بستگانش را از پراکندگی حفظ نموده تا آن سلسله قدیمه باقی و پایدار بماند . در این صورت ممکن بود تا دو بیست و پنج سال بعد ، اولاد سپهدار مالک بیشتر املاک مالیات بده ایران بشوند . عاقبة الامر راضی شد که بقایای مالیاتی خود را به پردازد . یکی از فرزندان خود را هم حقیقة فرستاده بود که غایب املاکش را برای تأدیة مالیات حمل و نقل نموده و یا بفروشد که اولتیماتومیهای روس شروع شده و تقویت تازه در مدافعة از خزانه دار سپهدار بخشید .

در صورتیکه اختیار و اقتدارات قانون سیزدهم ژون بکلی مسلوب و معدوم شده بود هیچ کاری پیشرفت نمیکرد . اگر بگویم بوسیله نتایج همین قانون بود که دولت در تابستان گذشته توانست برای سواران بختیاری و افواج دیگر بجهت جلوگیری از محمد علی و سالار الدوله پول فراهم نماید ، بی جا نخواهد بود . وبواسطه نتیجه همین قانون بود که تا دوچه قادر بممانعت از حملات بخزانه شدم ، و آلا در ظرف دو هفته تمام مالیه بغارت میرفت (تمام میشد) . نایب السلطنه گزارا گفتند که جنگ و کشمکش های من با مسلك بی باکانه کایفه و طریقه خائنانه خوانین بختیاری بود که در ماههای تابستان بیشتر از دو میلیون تومان خزانه دولت را از دست برد و غارت محفوظ داشت ، علاوه

بر معاونت رأی که بدوات نموده بودم در باقی داشتن افواج در میدان جنگ تا زمانیکه یاغیان متمرّدین مغلوب شوند .

در مراجعت از ایران در فوریه گذشته که وارد لندن شدم تسرّی لندن دقیقه از تنقید اعمال و افعال من فرو گذار نکرده و اعتراضات خود را باین ایراد ختم نمود :- که نبایستی متوقع بوده باشم که دول نظارت مالیه مرا در تحت قانون سیزدهم ژون تسلیم نموده باشند ، زیرا که ممکن بود قانون مزبور منافی با « اغراض و منافع مخصوصه » ایشان بوده باشد . این احتمال در صورتی متصور است که در قانون مزبور نکته یا ایهامی بوده باشد که مضرّ باغراض مالیاتی یا غیر مالیاتی دول اجنبیه بوده و یا بتواند بود . آن تنقید بکلی برخلاف واقع بود ، زیرا که قروض دولت ایران بدول اجنبیه بواسطه معاهدات و قرار دادهای رسمی که فیما بین قرض دهندگان منعقد شده کاملاً محفوظ بود ، و هیچ قانونی بهیچ طریق و عنوانی نمیتوانست اعتبارات اقروض را ضعیف نموده و یا نقصانی برساند .

مقصود اصلی از تعیین نظارت فوق العاده مالیه در ایران این نبود که تغییر در ضمانت یا وثیقه های استقراضات اجانب بدهد ، بلکه برای قدرت و تقویت دادن خزانه داری بود که بتواند تقلبات عمومی را که ما بین خود صاحب منصبان ایرانی بود جلوگیری نموده و قلع و قمع نماید ، تا بتواند عایدات داخلی دولت را وصول کند . فی الحقیقه قانون مزبور بهترین وسیله بود برای ازدیاد اعتبار آن استقراضات ، که اگر وقتی اعتبار و ضمانت اقروض کافی نباشد از مالیات عمومی و منابع عایدات دولتی تأدیه شود .

ببابت اخری تعیین نظارت متنفذ مالیه راجع بامور مخصوص داخلی

بود ، و هیچ علاقه و ارتباطی با استقراضات خارجه نداشت ، مگر اینکه اعتبارات و محافظت مراتب آن قروض را زیاد تر میگردانید . اگر همچو قانونی وضع و مجرا نمیشد ، بدون شبهه هیچ قسم اصلاح و ترقی در امور مالیه ممکن نبود و همچنین خزانه دار کل و معاونین امریکائیش نمیتوانستند دفاع بی نتیجه از خیانتهای [پارسی] صاحب منصبان دولتی بکنند . همان صاحب منصبانیکه بجز استمرار هرج و مرج و پریشانی امور سابقه مالیه غرض دیگر مرکوز خاطرشان نبود .

در اقتدار نظارت مالیه ایران ولو بهر درجه هم که کامل بود ، راهی نبود که بدان وسیله بتوان اثر یا نفوذی در قروض خارجه نمود . مگر اینکه سبب زیادتی اعتبار عموم مطالباتشان میگردید .

از تجربه هائیکه صاحب منصبان و اعضاء اجنبیه مالیه سابقاً تحصیل نموده بودند ، بخوبی واضح و آشکار بود که در صورت فقدان قدرت و سلب اختیارات و واقع شدن در تحت نظارت یکی از صاحب منصبان طبقه اعلائی که پی در پی بعنوان عضویت کابینه ، یا ادارات دیگر خود را مالک خزانه دانسته و بسرعت تغییر می یافتند ، چقدر غیر ممکن خواهد بود که بتوانند نقشه و تدابیر عملی خود را ترقی دهند .

اگرچه هیچگاه بودجه به ترتیب جدید در ایران معمول نبود ، ولی پس از اندک زمانی از شروع بکار ملتفت شدم که در صورتیکه تمام عوارض و مالیات داخلی وصول شود ، خزانه سالانه شش میلیون تومان کسر خرج خواهد داشت . چون از سال قبل چیزی (صورت حسابی) موجود نبود که از او معلوم شود که بیشتر از خمس مالیات که روی هم رفته تماماً و جنساً سالانه پنج میلیون تومان میشد بحکومت (ریاست) مرکزی

سیده . پس بزودی میزانت کسر خرج سالانه از شش به یازده
 بون میرسید . (یعنی اعضاء خائن مالیه چون صورت حساب صحیحی
 بین نبود . این پنج ملیون عایدی خزانه را هم جزء کسر خرج قرار
 داده و بمصارف دیگر می رسانیدند ، و یا اینکه بی ترتیبی امور و اهمال
 تاریمهاشان کار را بجائی می رسانید که این مبلغ قلیل وصولی خزانه هم
 بزه لاوصول و در ردیف کسرخرج بشمار می آمد ، در این صورت کسر
 خرجهای سابق و لاحق جمعاً به یازده ملیون میرسید . مترجم) مگر
 اینکه بتوانیم قسمت عمده مالیات را وصول نماییم .
 از طرف دیگر مبلغهاییکه (حقوق و مواجب ماهانه) وزارتخانههای
 مختلفه پیشنهاد و مطالبه میکردند ، مبالغ بزرگ و تأدیه اش فوق الطاقه
 بود . یعنی نه اینکه برای ریاست مقتدری زیاد بود ، بلکه از این
 حیث که از اکثر شعب ادارات موهومی فرضی که فقط اسمی از آنها
 باقی بود ، فایده برای ملت متصور نبود . پس تدابیر منقنی لازم بود
 برای مسدود کردن و التیام دادن آن شکاف وسیعی که مابین مالیات
 حقیقی که از هر مأخذ بدولت عاید میگشت و مخارج عمومی واقع شده بود
 (یعنی تناسب صحیحی بین جمع و خرج رعایت شود . مترجم)
 بهمین ملاحظه از اول [پروگرام] مؤکد مقرون بصرفه برای جمیع شعب
 مرکز و ولایات پیشنهاد بمجلس نمودم که متناسب با خدمات مؤثره باشد
 چندین ماه زحمت کشیده سعی نمودم که وزراء مختلفه را مجبور نمایم
 تا بودجه ساده برای ضروریات خودشان ترتیب دهند که در رد و قبول
 مطالباتیکه بخزانه اظهار مینمودند ، بمنزله دلیل و راهنا (مأخذی)
 برای من باشد . ولی عموماً به بهانه های چندی متمسک شده و
 اهمال میورزیدند ، تا اینکه من عاجز و متفرق شده و از این خیال

منصرف گردیدم ، و در اداره خود میزان مخارج ماهانه فرضی بجهت
 احتیاجات و ضرورت‌های لازمه هر یکی از وزارت خانهای مختلفه مین
 نمودم ، و بدون هیچ اعتنائی بوقع و عظمت شکایات یا فشار هائیکه
 برای مطالبه وجه داده میشد ، از میزان مفروضه تجاوز نمی نمودم
 آخر کار نمونه بودجه برای وزارت جنگ که بیشتر از همه شکایت
 و تهدید بشورش نموده و مقصر بود ، ترتیب دادم ، و ثابت نمودم که
 ممکن است با دو میلیون تومان سالانه قشون و افواج کامل منظمی که
 عبارت از پانزده هزار نفر باشد مرکب از پیاده و سواره و توپخانه
 ترتیب داده ، در صورتیکه مواجب و حقوق پایین و صاحب منصبان
 آن ، بیش از آنچه که حالیه به آنها میرسد بوده باشد ، ولی میزان
 سالانه که وزارت جنگ مطالبه مینمود هفت میلیون تومان بود ، آنها در
 حالیکه در تمام مملکت نمیتوانست پنجهزار نفر افواج غیر منظم گرسنه
 و برهنه را نگاهدارد ، ادله و شواهدیکه در اثبات افراط و تفریط
 و تقلب وزارت جنگ اقامه نموده بودم ، بحدی کافی و مسکت بود که
 هیئت وزراء مجبور شدند میزان بودجه تخمینه مرا تصویب نمایند ،
 مصمم السلطنه که در آن زمان بمسند جلیل وزارت جنگ منمکن و
 کراراً وعده بجزا داشتن بودجه مرا نموده بود ، چون درانظار ایل و
 طایفه پول دوست خود و همچنین پیش دوست قدیم ما امیر اعظم که
 معاونت وزارت مزبوره را داشت ، متأثر و خجل بود ، از صدور
 احکام لازمه بجهت اجراء و معمول داشتن آن بودجه ابا و امتناع
 ورزید ، نتیجه آن حرکات این شد که من هم از تادیبه وجوه
 بروات اداره مرکزی وزارت جنگ نتحاشی نموده و قرار دادم افواجی
 که در سرباز خانهای طهران حاضر بودند ، مواجب خودشان را بدون

مداخله وزارت جنگ مستقیماً از مستوفی خزانه دریافت دارند . در فهرست حقوق اداره نظام اسامی هیئت پست فطرتانیرا دیدم که تقریباً بقدر صد نفر میشدند ، بعنوان مختلفه مثل جنرال آجودان ، صاحب منصبان طبقه اعلی ، مستشاران ، مشاقران ماهر ، مدعی العموم ، معلمین پروفیسرهای نظامی ، ایشان نه فقط کوشش و جد و جهد مینمودند که ماهانه معادل چندین ده هزار [دالر] بعنوان مواجب بگیرند ، بلکه بزرگترین موجود ثقل بودند . تمام آنها در اداره نظام قسم خورده بودند که مرا تلف نمایند و افواج را ترغیب بشورش مینمودند ، ولی چون این اولین مرتبه بود که افواج ، مواجب تمام و کمال خودشان را بدون اینکه دیناری از آن کسر شود ، از خزانه میگرفتند شورش واقع نشد .

طریقه ثانویه که برای تناسب بین مداخل و مخارج لازمه سالانه هیئت وزراء تقدیم نمودم ، مالیات و عوارض در تعیین و اخذ اختیار قوانین جدید ذیل بود .

اولاً اضافه مالیاتی بر تریاک بود . اگر چه وضع و اجراء این قانون در ایران علی الظاهر تمحیل و بسیار سنگین مینمود ، ولی در معنی و حقیقت ابداً شاق نبود ، و از اجراء این قانون مقدار زیادی برمالیه دولت افزوده میشد . و تا حد وسیعی هم جایز و بسزا بود ، و بدون هیچ گونه مخارجی بتوسط همان اداره گران خرجی که برای نظارت تجارت تریاک (اداره تحدید) تشکیل شده بود ، مبلغ خطیری وصول میشد .

ثانیاً اضافه مالیاتی بجهت مسکرات بود ، که در تحت نظارت اداره بعنوان وظایف پلیس وصول شود ، زیرا که تعیین همچو مالیاتی علناً و

رسماً از طرف مجلس (۱) ممکن نبود .

ثالثاً مالیات جدیدی بدخانیات قرار داده شود ، یعنی از هر يك من (۲) تبریز تمباکوئی (۳) که در داخل مملکت بعمل آید . يك قران (معادل بانه سانت امریکا) خراج گرفته شود . بعلاوه اضافه مالیاتی بر تمام سیگار و سیگارتنها و اقسام مختلفه توتون افزوده شود .

رابعاً نسخ قانون عوارض روده و گرفتن يك قران باج از لاشه ذبیحه های كوچك مثل گوسفند و بره و غیره (۴) و باج بیشتری برای ذبایح بزرگتر مثل گاو .

خامساً ترمیم قانون عدلیه راجع به تهرهای اسناد ، قسمی که مشتمل و جامع جمیع اسناد و پروات تجاری و معاهدات و قرار دادها و قبوض و غیره باشد .

سادساً تحصیل رضایت دول خارجه برای ترمیم تعرفه گمرکات زیاد کردن آن ، و تغییر دادن قانون گمرکی را راجع بمنع گرفتن گمرک در داخله .

سابعاً نقشه و تدبیری برای خریدن و قطع نمودن وظایف و مستمری هائیکه تقریباً سالی سه میلیون دوات بطبقات مختلفه میداد ، یعنی

- (۱) چون مذهب رسمی ایران اسلام و بموجب آن استعمال هر قسم مشروبات حرام و ممنوع بود ، مجلس بوسیله هیچ قانون نمیتوانست عوارضی برای استعمال محکرات تسلیم نماید .
- (۲) من تبریز معادل با شش پوند انگلیسی و يك خمس پوند می باشد . مترجم
- (۳) از این تا کس (خراج) جدید ، ممکن بود سالانه معادل يك میلیون و دویست هزار تومان باید خزانه شود .
- (۴) عوارض روده بعد از تحمل محارج و خسارات و زحمات فوق العاده جنساً باید دولت

دولت وظایف مزبور را بوسیله اسناد خزانه بموعده چهل سال بخرد ، و منافع سالانه آن سهام را ، به نرخ صدی پنج قرار دهد ، و سهام بتوسط چک باسم حامل باشد ، و مقدار زبح قیمت اسناد در هر صد تومانی باید به نسبت پیمانه متحرکی (۱) یعنی میزان مختلفی باختلاف مقادیر اصل وظایف هر صاحب وظیفه باشد .

ثامناً يك استقراض چهار ملیون لیره برای دولت لازم بود ، که قسمتی از آن باید بمصرف تأدیة طلب بانک روس (که تقریباً معادل يك ملیون و يك صد هزار لیره است) برسد ، و باقی آن برای بنای و اصلاح امور عام النفع مالیات افزا بمصرف برسد ، و هیچ مقداری از آن وجه نباید بمصرف مخارج جاریه (۲) دولت بکار برده شود .

(۱) توضیح این جمله در چند صفحه بعد ذکر خواهد شد — مترجم *

(۲) اگر دولت ایران اسناد این استقراض چهار ملیون لیره را بنرخ هشتاد و هفت و نیم در هر صدی تخصیص مینمود چنانچه استقراض يك ملیون و دو بیست و پنج هزار تومان هم همین نرخ بود ، معادل سه ملیون و پانصد هزار لیره عاید دولت میگردد ، در صورتیکه بابت هر لیره را پنج تومان و شصت تومان دو (قران) فرض کنیم هیجده ملیون و دو بیست هزار تومان میشود . پنج ملیون و شش صد و هشتاد هزار تومان برای تبدیل (تأدیة) استقراض بانک روس لازم بود و دوازده ملیون و پانصد و سی هزار تومان باقی می ماند . * من قصد کرده بودم که مبلغ باقی را بمصارف ذین برسانم . *

برای [کد متر] مساحت اراضی زراعتی باضمام سرشماری سرسری و تعیین مساحت اراضی جنگلات و معادن و اراضی خالصه ، سه ملیون و پانصد هزار تومان . * برای تدابیر آبرسانی و آب یاری اراضی لم یزرع دو ملیون . * تومان بجهت نصب و ترمیم شوارع و جاده های نوساز چهار ملیون تومان . * بمصارف تعمیر سر بازارخانه و اصلاحه بجهت زایل ارضی خزانه يك ملیون و پانصد هزار تومان . * که جمماً معادل با یازده ملیون تومان میشود و يك ملیون و پانصد و سی هزار تومان هم برای مخارج متفرقه باقی می ماند . * در عرض مدت سه سال از اجرای تدابیر مزبوره مستقیماً با مرالواسطه این شش و هشتت ملیون تومان سالانه عاید دولت میگردد . *

معاونت وجه استقرار فوق اصلاحات عمومی مالیات آور (مولد مالیه) ذیل انجام میگرفت (کدستر) (Cadastré) مساحت اراضی، سرشماره سرخرانه (تقریبی) از قوس ولایات و ایالات برای تعیین میزان متناسبی بجهت مأخذ مالیات، تعیین مساحت از جنگلها و معادن و اراضی و خلاصه، و تعمیر سرباز خانه و خریدن اسلحه برای ژاندار مری خزانه، ترمیم و اصلاح جاده های موجوده، احداث بعضی شوارع و طرق مهمه جدید ترتیب وسائل آب رسانیدن بنقاط مختلفه، ولی ضمناً این نکته را هم باید در نظر داشت که معمول داشتن تدابیر سابق الذکر باعث ابراد و اعتراض مردم میشد که دولت مشروطه خدمت عام المنفعه مفیدی عمت نکرده است.

و نیز این قهره را هم سفارش نمودم که دولت باید قانونی برای تسهیل کشیدن راه آهنهای ذیل در اوقات مقتضیه (و یا دادن امتیازات مناسبه برای کشیدن آن خطوط) ترتیب دهد که بتدریج، یا بکرتبه شروع شود.

اول خطی از محمره به خرم آباد، و از آنجا تا همدان. دوم خطی از خاتقین بکرمانشاهان و از آنجا نیز تا همدان. سوم خطی از همدان بقزوین، چهارم خطی از بندر عباس بکرمان و یزد، و از آنجا تا طهران، و شعبه از آن به اصفهان، خط پنجم از بو شهر تا شیراز و اصفهان، خط ششم از جلفا و تبریز تا زنجان و قزوین و طهران و شعبه از قزوین به بنا در بحر خزر. هفتم خطی از زنجان بهمدان، خط هشتم از بندر عباس تا شیراز، و همچنین تاکید نمودم. بجهت وضع (واجرائی) قانونی برای منع و جلوگیری عمومی از احتکار غله و سایر مایحتاج معاشیه مردم.

بطور تخمین معین کرده بودم که از اجراء قوانین مالیات و عوارض فوق ممکن بود سالانه مستقیماً و حتماً پنج میلیون تومان اضافه مالیات بدولت برسد، در صورتیکه هیچ گونه تحمیل و تکلیف شاقی هم بملت وارد نمیشد.

علاوه بر این عالی دو میلیون تومان هم بواسطه خریداری و قطع وظایف منفعت و پس انداز دولت میگشت.

سی ام سپتامبر (ششم شوال ۱۳۲۹) هیئت وزراء جمیع تدابیر و نقشه اصلاحات مرا تصویب نموده و خودم هم مشغول بترتیب دادن مواد قانونی لازمی بجهت تقدیم بمجلس بودم که اولتیماتوم های دولت روس شروع شد.

مسئله وظایف، یکی از ادله غریبه بر بی نظمی مالیه ایران می باشد که دولت بموجب دفاتر غیر منظم از منته مختلفه وزارت مالیه مسئول و مجبور بود، هر ساله تقریباً بصد هزار نفر اشخاص مختلف الحال تقدماً و جنساً معادل سه میلیون تومان بدهد.

قسمت عمده آن وظایف بسیار غریب، از ازمینه سلاطین سابقه ارثاً بدولت مشروطه منتقل شده بود، و بعضی وظایف را هم مجلس بعلماء و سایرین اعطاء نموده بود، یعنی بکسانیکه نسبت به تحریکات ملی خدمت نموده و یا بورژوازی کسانیکه در راه پیشرفت مشروطه جنگیده و کشته شده بودند.

درازمینه سابقه اگر کسی سلطانرا در موقع مقتضی بواسطه اشعار یا اطیبه های نغمه خود مسرور میساخت و یا یکی از درباریان ستایش و تمجیدی از پادشاه می نمود فوراً مالیات يك یا يك [درجند] دوباره ماحد بعنوان عطیات خسروانه اعطاء و مبدول میشد، و باینکه اسم آنشخص را در

فهرست اسامی درباریان داخل نموده و فلان قدر ، صد یا هزار تومان یا فلان مقدار خروار کندم ، یا جو ، یا گاه ، بمنوان و وظیفه سالانه در حق او برقرار میگشت . و بعض اوقات هم کسانی که مصدر خدمات حقیقی عمومی بوده و وظیفه می یافتند . تمام پیشخدمتان شاه دارای وظایف موروثی بودند که از آباء و اجدادشان بارث به آنها رسیده بود . تمام اعیان و ارکان دولت موظف بودند . هیچ ولایت یا ایالتی نبود که فهرست و دفتر مخصوص و وظایفی از خود نداشته باشد . بی شبهه طهران از همه ولایات بیشتر و وظیفه خور داشت . و نه عشر (نه دهم) کامل وظایف مزبوره تقاب خالص بود .

دولت مشروطه بهیچ قسم نمی توانست همه یا قسمت عمده از آن وظایف را ممضاء و مسلم بدارد ، ولی وزراء مالیه ارمنه مختلفه برای جلب خاطر مردم و حصول مقبولیت عامه یا بملاحظه منافع شخصی خود ، آن وظایف را فوراً امضاء و قبول مینمودند . چون بروات و وظایف سالانه با احتیاط و دقت تمام صدور می یافت ، و بعد از تحمل زحمت و مشقت بسیار ممکن میشد که در خزانه تبدیل به نقد (یعنی وجه آن وصول شود) صاحبان و وظایف برایگان همیشه برای کسرو تخفیف و وظیفه خود حاضر و راضی بودند . اکثر اتفاق افتاده است که مقدار اصلی و وظیفه خودشان را از قرار صدی پانزده (تومانی سی شاهی) می فروختند . عده از صرافان جزء و بعضی اوقات هم تجار معتبر بودند که بروات و وظایف را تقریباً بهیچ خریده ، و برای وصول و محصلین (وصول کنندگان) کار آزموده و وظایف می سپردند . محصلین موصوف پس از آنکه مقدار معتمد بهی از آن برواترا جمع میکردند ، عده از زنان و مردان پریشان بسیار فقیر بینوا را اجیر می نمودند ، که اطراف تحویل خانه خزانه ایستاده و آه و ناله

و فریاد بکنند ، و بسینه های خود کوبیده و موهای شانرا کنده و برخاک
 بناملند ، مثل اینکه (از گرسنگی) ضعف نموده اند . در آن حال قبوض
 و بروات را بجانب آسمان بلند نموده دعا و التماس میکردند ، که خداوند
 خود و اطفالشان را از فاقه نجات بخشد . بعضی از زنها هم اطفال
 کوچک را باخود آورده مادر طفل خود را بر زمین می انداختند ، مثل
 اینکه از شدت فاقه و گرسنگی در شرف موت اند ، در صورتیکه
 آن [آکترها و آکتریسها] روزی بچند پول اجیر شده بودند که آن
 منظره را نمایش دهند .

ولی وزراء مالیه بی پروا بتماشای آن گونه مناظر عادی شده و ابدأ
 اعتناء و توجهی به ایشان نمی نمودند ، مگر در صورتیکه احتمال (شلوقی)
 شورش سختی میرفت .

تأدیة آن بروات و ظایف و مستمریات بابت همان سنه جاریه و سنوات
 ماضیه از جمله وظایف و تکالیف مخصوصه و اقتدارات لطیفی بود که از
 حیث خزانه داری کل قسمت و نصیبه من شده بود .

چندقر وزیر مالیه ازمنه مختلفه بودند که باکیال سهولت بروات
 مزبوره را بقیمت هر [دالری] بیست سانت (تومانی دوقران) خریده و
 منتظر موقع مناسب بودند ، که هر وقت ازحسن اتفاق چند هزار تومانی
 درخزانه جمع شود ، مقدار اصلی آن بروات را محسوب و دریافت دارند
 ارتکاب آنگونه قبایح و تقلبات سبب بدنامیشان شده بود حتی در خود
 ایران (که آن قسم کارها را باعث بد نامی نمیدانستند) اسباب بصدا
 آمدن سایر وزراء و صاحب منصبان دیگر که در آن کار شریک نبودند
 میشد

بسی امید می نمود که آنقدر پول فراهم شود که بتوان آن وظایف را

پرداخت ، بقدری ما بین مردم اغراض و مخالفت با نسخ وظایف بود که مجلس توانست اقدامی نماید .

چون نسخ و قطع وظایف یکمرتبه ممکن نبود ، من آن نقشه استخلاص وظایف و مسوده قانونی که حاوی خیالاتم بود مرتب نموده و بدولت تقدیم داشتم . ولی هیئت وزراء نقشه مزبوره را ملتوی و موقتاً اجراء آن را بتأخیر انداختند ، درحالتیکه جزء جزء آن نقشه را بنظر و کلاء رسانیده و مشغول مذاکرات موافقانه بودیم که طوفان سیاسی شروع بحرکت نمود ، [استائستیک] کاملی لازم بود که پایه آن نقشه را بر بنیاد صحیحی بگذارد .

مختصر اینست که باید دولت وظایف را پس از امتحان صحت باسناد خزانه بخرد ، معادل مبلغی که منفعت سالانه اش از قرار صدی پنج معادل با نصف مبلغ وظیفه اصلی باشد ، در صورتیکه مقدار وظیفه جزئی باشد که پس از اقسای چهل سال اصل آن مبلغ پرداخته شود . ولی در صورتی که مقدار وظیفه زیاد باشد ، باید بمقداری خریده شود که سود سالانه آن باختلاف موارد (یعنی نسبت بکم و زیادی مقدار وظایف) تا باریع میزان اصلی مطابق شود ، (مثلاً کسیکه سالانه صد تومان وظیفه باسنجری داشته باشد ، دولت وظیفه او را بمقداری از اسناد خزانه بخرد که منفعت سالانه اش از قرار صدی پنج نصف مبلغ اصلی باشد . یعنی معادل وظیفه ده سالش که هزار تومان باشد ، بخرد که سودش بنرخ صدی پنج پنجاه تومان که نصف اصل وظیفه میباشد ، و وظایف پانصد تومانی را بنرخ صدی چهار بخرد که سود سالانه اش دو بیست تومان و معادل با دو خمس وظیفه اصلی میشود ، مقرریمهای هزار تومان نیز با ده هزار تومان خریداری نماید که بیج صدی سه ، سالانه اش سیصد تومان ، و معادل با کمتر

از ثلث وظیفه اصلی باشد ، و مستمریهای دوهزار تومانی را به بیست هزار تومان بخرد که سود سالانه اش از قرار صدی دو و نیم ، پانصد تومان که معادل با ربع وظیفه اصلی شود ، و در صورت زیاده و تقیصه مقدار وظایف از مقادیر مفروضه فوق بهمین نسبت مقدار نرخ و مبلغ تغییر پذیر خواهد بود . از یگانه شهید راه حریت ، مرحوم صنیع الدوله رئیس دوره اوایه دارالشورای ملی که روانش شاد باد ، کراراً همین خیالات عالی و نقشه های استخلاص دولت از نکت و حصول امنیت و آسایش عمومی و ازدیاد ثروت و رواج تجارت و تکمیل زراعت و توسعه صنعت و اشاعه معارف شنیده شد ، و در مجالس عدیده با داده محسوسه نتایج و صحت بنیاد فقرات مزبوره را هم مدال و ثابت داشته پایه هوش و ذکاوت و علم و فضل و دیانت و اخلاق و وطن پرستی آن راد مرد مسلم خودی و بیگانه و برتر از حد بیان و تحریر است . نهایت آنکه ایشان مستر شوسترایرانی بودند ، بعضی از مواد فوق را هم برای مزید اطلاع عموم طبع و مجاناً اشاعه دادند ، ولی !!! « گوش اگر گوش من و ناله اگر ناله ... » - مترجم .

لازم بود دولت معادل بیست و یک میلیون و پانصد هزار تومان اسناد خزانه شایع نماید که ربع سالانه اش (به نرخ صدی پنج) یک میلیون و هفتاد و پنج هزار تومان میشد ، در عوض سه میلیونی که باید سالانه بموظفین بدهد . دولت بکمال سهولت میتواند مسئولیت این ترتیب جدید را بعهده گرفته ، اهمیت و قیمتی با اسناد خزانه بدهد که هیچ گونه بی انصافی و ظلمی هم در حق صاحبان وظایف نشده باشد ، زیرا که به استثنای اشخاص متنفذ مقتدر و کسانی که قمار مجهول نتیجه (که پول نقد خود را به امید نفع موهوم صرف مینمودند) در تحصیل